

# تحلیل قضایا

دکتر احمد فرامرز قراملکی

## الف - هدف و روش

رساله «تحلیل قضایا» به بررسی تطبیقی - تاریخی دیدگاه منطق دانان در تحلیل قضیه می‌پردازد.<sup>(۱)</sup>

تحلیل قضیه، در واقع، تحلیل عنصر بنیادین تفکر آدمی است و به تعبیر راسل، سرآغاز اجتناب‌ناپذیر برای بنا نهادن تفکر فلسفی، شناخت قضیه است. «اینکه همه فلسفه‌های معتبر باید کار خود را از تحلیل قضایا شروع کنند، حقیقتی است که شاید روشنتر از آن باشد که به اثبات نیاز داشته باشد»<sup>(۲)</sup>

هدف رساله، گزارش تحلیلی از آراء ارسطو، معلم اول دانش منطق، ارسطوئیان متقدم، منطق دانان مسلمان از نهضت ترجمه تا عصر شارحان بنام مانند یونس بن متی، فارابی، ابن سینا، ابن رشد و عصر شکوفایی منطق در قرن هفتم، منطق دانان دوره شیراز و اصفهان (قرون دهم و یازدهم) است. در این رساله آراء منطق دانان دروه شیراز و تکامل معرفت منطق مورد ارزیابی قرار گرفته و سهم هر کدام از دانشمندان در پیدایش مسائل منطقی تبیین شده است. دلایل تبعیت از روش تاریخی - تطبیقی در تحلیل آراء

---

۱ - رساله تحلیل قضایا به عنوان پایان نامه تحصیلات دوره دکتری (Ph.D) در گروه آموزشی فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه، تهران در ششم شهریور ماه ۱۳۷۳ با راهنمایی استاد ارجمند آقای دکتر ضیاء موحد و مشاورت استاد ارجمند آقای دکتر احمد بهشتی دفاع شد و با درجه عالی مورد تصویب هیئت داوران قرار گرفت.

منطق دانان در مقدمه رساله به تفصیل بیان شده است. در این روش، تشابه‌ها، تفاوتها، سر عدول متأخرین از تقریر و بیان متقدمین مورد توجه تام قرار می‌گیرد.

## ب - پیشینه تاریخی مبحث

سابقه تحلیل قضایا در منطق ارسطویی، به معلم اول می‌رسد. ارسطو در کتاب العبارة و نیز در آغاز کتاب تحلیل اولی (قیاس) به تحلیل قضایا پرداخته است و پیروان وی نیز در این دو موضع به شرح و بسط پرداخته‌اند. ابن‌سینا در سه موضع از منطق الاشارات<sup>(۱)</sup> به تحلیل مفاد قضیه می‌پردازد. موضع سوم در مبحث موجّهات است و با عنوان «اشاره الی تحقیق الكلية الموجبة فی الجهات، و اشارة الی تحقیق السالبة الكلية فی الجهات» آغاز می‌شود. سخن این موضع از اشارات، تقریر دیگری است از آنچه شیخ الرئیس، خود، در کتاب القیاس از منطق الشفا به تحلیل آن پرداخته است.<sup>(۲)</sup> و این مبحث نزد منطق‌دانان دو بخشی پیرو اشارات، مورد توجه تام قرار گرفته است. ظاهراً، فخر رازی اولین کسی است که عبارت شیخ را در ابتدای مبحث قضایا (و نه در مبحث موجّهات) گنجانده و با الهام از سخن بوعلی به تحلیل مفاد قضایای مسور و تقسیم آن به حقیقیه و خارجیّه می‌پردازد.<sup>(۳)</sup>

به این ترتیب در منطق دو بخشی، به ویژه در قرن هفتم، فصل مستقلی در باب قضایا تحت عنوان «فی تحقیق المحصورات» مطرح گردیده است که متضمن تحلیل مفاد قضیه حملیه مسوره است.<sup>(۴)</sup> دلیل اینکه تنها قضیه حملیه محصوره مورد تحلیل واقع می‌شود،

۱- ابن سینا، الاشارات، تصحیح محمود شهابی (دانشگاه تهران، ۱۳۳۹)، ص ۱۶، سطرهای ۱۲-۱۶ و ص ۳، سطرهای ۱۲-۱۴ و ص ۲۶ س ۲۸ تا ص ۲۸ س ۱۴.

۲- ابن سینا، الشفا، المنطق، (۴) القیاس، تصحیح زیر نظر ابراهیم مدکور (قاہرہ، ۱۳۸۳ هـ. ق.)، ص ۲۹ س ۵- ص ۳۰ س ۳.

۳- فخر رازی، المخلص، (نسخه خطی، مجلس شورای اسلامی به شماره: ۱۸۲۷) ص ۲۲.

۴- این فصل با جمله زیر آغاز می‌شود. «فی تحقیق المحصورات، اذا قلنا کل ج ب لم نعن به الجیم الکلی و لا الکل من حیث هو کل بل کل واحد واحد» این فصل مهم که تقسیم قضیه به خارجیّه و حقیقیّه در ضمن آن مطرح شده است از سخن بوعلی در منطق «ادامه پاورقی در صفحه بعد»

این است که منطق ارسطویی، منطق قیاسی اقترازی است و از نظر چنین نظام منطقی، جز قضایای حملی مسور، هیچ نوع قضیه‌ای اعتبار منطقی ندارد.<sup>(۱)</sup> وقتی می‌گوئیم الف ب است، مراد از «است» نه رابطه این همانی به معنای اتحاد است و نه رابطه عضویت بلکه رابطه اندراج مطرح است. و این همان مفاد قضیه حملیه محصوره (و یا قضیه‌ای که در حکم محصوره باشد؛ یعنی مهمله) است.

به همین دلیل تنها قضیه حملیه مسوره قابل انحلال به عقد الوضع و عقد الحمل است که انحلال قضیه به این دو عقد، شرط مقدمه قرار گرفتن در قیاس اقترازی است. در قرون متاخر منطق دانان در رساله‌های منفرد به تحلیل مفاد قضیه پرداخته‌اند که اهم آنها در مقدمه رساله تحلیل قضایا آمده است.

## ج - خلاصه

رساله تحلیل قضایا در یازده فصل و یک مقدمه و دو ضمیمه (در ۵۲۷ ص) تدوین شده است.

فصل نخست به بیان چستی قضیه می‌پردازد. در این فصل سه مبحث: شرح اللفظ، شرح الاسم و ملاک تمایز خبر از غیر خبر طرح گردیده است. الفاظ متعدد (بالغ بر ۱۵ لفظ) که دانشمندان مسلمان برای نامیدن قضیه به کار برده‌اند از حیث وجه تسمیه مورد تامل بوده است و سیر تعریفهای گوناگون از قضیه نزد منطق دانان و نیز توانایی ملاکهای ارائه شده در مقام تعیین مصداق مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم به تقسیم بندی اولیه قضیه (حمل و شرطی)، مساله تحویل پذیری حملی و شرطی به همدیگر. ارزیابی منطقی تقسیم بندی از جهت شرایط آن، اختصاص دارد. فصل سوم با عنوان تحلیل اجزاء قضیه حملی، به گزارش و نقادی آراء منطق دانان

(ادامه پاورقی از صفحه قبل) الشفا (القیاس، ص ۲۰) و منطق اشارت (ص ۲۶) ملهم است. و آن از ویژگی‌های منطق دو بخشی است که تحلیل قضایا را از مواضع متعدد جمع‌آوری کرده و به صورت بحث مدون در فصل مستقلی گنجانده است.

۱- به همین دلیل ارسطو در آغاز کتاب القیاس، اقسام قضایا را در مهمله، کلیه و جزئی خلاصه کرده و سخنی از مخصوصه نیاوره است. (18\_ 16 a Aristotle . Prior Analytics, 24). یحیی بن عدی در تعلیقه بر همین موضع از کتاب ارسطو متذکر شده

است که قضیه شخصی فاقد اعتبار قیاسی است (منطق ارسطو، دکتر عبدالرحمن بدوی ج ۱، ص ۱۳۹ پاورقی)

دربارهٔ کمیت اجزاء قضیه می‌پردازد. در این فصل مسألهٔ ثنایی و ثلاثی بودن قضیه در مقام زبان و مقام واقع قضایا (معنی) مورد تحلیل واقع شده است.

فصل چهارم متکفل تحلیل موضوع در قضیهٔ حملیه است. در قضیه حملیه موضوع چیست و چه اقسامی دارد؟

فصل پنجم و ششم نیز به ترتیب به تحلیل محمول و «رابطه» در قضیه حملیه اختصاص دارد. در این سه فصل اخیر اقسام قضایای حملی نیز مورد بررسی اجمالی است.

فصل هفتم به تحلیل قضایای انحلال ناپذیر می‌پردازد. مراد از قضیه انحلال ناپذیر، قضیه‌ای است که قابل انحلال به عقد الوضع و عقد الحمل نیست. قضیهٔ شخصی و قضیهٔ طبیعی (که از نظر منطقی در حکم قضیه شخصی است) انحلال ناپذیر هستند. تبیین تاریخی پیدایش قضیهٔ طبیعی نیز در همین فصل آمده است.

فصل هشتم به تحلیل قضایای انحلال‌پذیر (مسوره و آنچه در حکم مسوره است یعنی مهمله) می‌پردازد.

فصل نهم به تقسیم‌بندی معروف قضیهٔ حقیقی و خارجی پرداخته شده است. قضایای ثلث (حقیقی خارجی و ذهنی) نیز در همین فصل آمده است.

فصل دهم به تحلیل قضایای معدوله و مقایسهٔ آن با محصله اختصاص دارد. در این فصل به نوع سوم قضایا یعنی قضیهٔ سالبة المحمول و تفاوت آن با معدوله و محصله نیز پرداخته شده است.

فصل مفصل یازدهم به تحلیل قضایای شرطی (اقسام، شرایط صدق و تحویل‌پذیری به حملی) می‌پردازد.

در این رساله به دلیل ارجاعات فراوان به منطق‌دانان مسلمان و با توجه به اهمیت تاریخ حیات هر کدام از آنها در تبیین تاریخی مسائل، فهرست منطق‌دانان سرزمینهای اسلامی، به صورت ضمیمه آمده است در این فهرست (که در واقع تکمیل فهرست

نیکلارشر است).<sup>(۱)</sup> اسامی ۲۳۸ منطق دانان با ذکر اهم آثار منطقی و تاریخ حیات آنها بیان شده است.

## د- گزارش فهرست گونه مسائل

در رساله تحلیل قضایا، مسائل زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- جمله تام خبری در صناعات مختلف (مانند منطق، فلسفه، کلام، فلسفه، فقه، نحو و ...) به دلایل خاص، نامهای گوناگون دارد، از جمله: اخبار، خبر، قول جازم، قول جازم قیاسی، حکم، تصدیق، عقد، مقدمه، فصل، مطلوب، نتیجه، مسأله، وضع، گزاره و ...<sup>(۲)</sup>
- ۲- دو تعریف از قضیه در کتاب العبارة ارسطو وجود دارد: تعریف از طریق صدق و کذب پذیری و تعریف از طریق حکم به اثبات و یا ابطال امری نسبت به امر دیگر.<sup>(۳)</sup>
- ۳- بوعلی به دلیل خاصی از تعریف صدق و کذب پذیری خبر (که در منطق شفا از آن تبعیت کرده است)، به تعریف تصدیق و تکذیب پذیری گوینده خبر (در الاشارات) عدول می‌کند. عدول وی مورد توجه دانشمندان زیادی مانند غزالی، شیخ اشراق، ابن سهلان ساوی قرار می‌گیرد. خونجی با تقریر دیگری به بیان ارسطو برمی‌گردد: «قول محتمل صدق و کذب».
- ۴- منطق دانان بر تعریف صدق و کذب پذیری قضیه انتقادهای زیادی مطرح کرده‌اند از جمله بوعلی در رساله اجوبة عن المسائل العشرینة الغریبة. مهمترین انتقاد، دوری بودن این تعریف است که پنج روش عمده در حل آن ارائه شده است.
- ۵- قضیه بنابه تعریف دوم ارسطو، امری است به منزله ایقاع چیزی بر چیزی و یا

۱- رشد در کتاب «تطور منطق عرب نام یکصد و شصت و شش نفر از منطق دانان را ذکر می‌کند. مترجم عربی کتاب «محمد مهران» ده نفر به آن افزوده است. در این باره مراجعه کنید به:

Rescher N. A. The Development of Arabic Logic, University of Pitts Burgh Press 1964 262P.

لیکلارشر، تطور المنطق العربی، ترجمه و تعلیق الدكتور محمد مهران × دارالمعارف، مصر ۱۹۸۵. ۵۷۶ ص.

۲- برخی از دانشمندان، مانند غزالی و خواجه طوسی به سر تعدد اسامی قضیه و وجوه آن اشاره کرده‌اند که تفصیل مطلب را به رساله تحلیل قضایا مراجعه کنید.

انتزاع چیزی از چیزی. این تعریف توسط بوعلی مورد نقادی و تجدید نظر قرار گرفته است. بیان شیخ توسط متاخرین مانند ابن رشد، ابوالبرکات بغدادی و فخررازی مورد قبول واقع شده است. در رساله تحلیل قضایا چند ملاحظه انتقادی بر تعریف بوعلی مطرح شده است.<sup>(۱)</sup>

۶- منطق دانان چند ملاک تمایز برای مقام تعیین مصداق ذکر کرده‌اند که مهمترین آنها صدق و کذب‌پذیری است. در نقد توانایی این ملاک موارد زیادی ذکر شده است از جمله: صدق‌پذیری جملات امری، تبدیل جملات انشائی به خبری، مشکل نداء، افعال گفتاری، مشهورات صرفه، قضایای کلی فاقد موضوع (شبههٔ راسل)، پارادکس دروغگو.<sup>(۲)</sup>

۷- قضیه در تقسیم اولیه یا حمله است و یا شرطی. دانشمندان در بیان این تقسیم‌بندی اختلاف رای دارند از جمله در اینکه حصر عقلی است یا استقرایی؟ تقسیم بندی مثنی است یا مثلث؟ تفاوت صنفی است یا نوعی؟ تقسیم صوری است یا مادی؟ ملاک تقسیم بندی چیست؟

۸- در باب اینکه ملاک تقسیم بندی اولیه قضایا چیست، نظریات مختلفی ارائه شده است: بتی و مشروط، بساطت و ترکیب، تالیف درجهٔ یک و درجهٔ دو.

۹- قضیه بنا به رای مشهور نزد منطق دانان مسلمان از سه جزء مستقل تالیف شده است: موضوع، محمول و رابط، هر چند که در مقام زبان به دلیل زبانی - برخی از قضایا دارای دو جزء باشند (به گونه‌ای که رابطه مندرج در محمول باشد) و این رای ابن سینا در الاشارات است.

۱۰- از سخنان فخر رازی می‌توان استنباط کرد که برخی از قضایا نه تنها در مقام زبان بلکه فی ذاته نیز ثنایی‌اند.

غزالی، افضل‌الدین کاشانی و خواجه طوسی تصریح کرده‌اند که قضیه دارای دو جزء

۱- تحلیل قضایا، ص ۴۳ - ۴۵.

۲- در این رساله دیدگاه متکلمین، منطق دانان، اصولیین در حل شبههٔ پارادکس مورد گزارش اجمالی قرار گرفته و کتابشناسی اجمالی آن ارائه گردیده است (ص ۵۸ - ۶۳).

است: موضع و محمول و رابط تنها جزء صوری است. و به نظر ما، این سخن از قول فارابی در شرح العبارة ارسطو ملهم است.

۱۱- منطق دانان قرن هفتم نظریه چهار جزئی (و برخی نظریه ۵ جزئی) بودن قضیه حمله را مطرح کرده‌اند. در دوره شیراز و اصفهان، قول به تفصیل و تفکیک قضایای موجه از سالبه، هلیه بسیطة از مرکبه در بحث از اجزاء حمله مطرح شده است.

۱۲- در منطق جدید قضیه به دو بخش اسمی و محمولی تحلیل می‌شود و نظریه سه بخشی بودن قضیه، موضوع، محمول و نسبت را یکی از نقصانهای سیستماتیک منطق ارسطویی می‌انگارند.

۱۳- با ادله فراوان می‌توان نشان داد که قضیه نزد ارسطو به دو بخش اسمی و محمولی تحلیل می‌شود و دیدگاهی که در رساله «العبارة» مطرح شده قابل حمل بر این نظر است.<sup>(۱)</sup>

۱۴- از نظر منطق دانان، تنها اسم (از اقسام سه گانه لفظ مفرد) می‌تواند موضوع واقع شود. آنها اسم مستقیم و نه مائل.

۱۵- موضوع یا مفرد است و با در حکم مفرد و نیز یا محصل است و یا در حکم محصل.

۱۶- قضیه از جهت موضوع به صورتهای مختلفی تقسیم می‌شود: ارسطو قضایا را به مهمله و مسوره تقسیم کرده است و ارسطوئیان با افزودن شخصیه آن را به صورت مثلث در آورده‌اند. در قرن هفتم با پیدایش قضیه طبیعی طبقه‌بندی مربع مطرح شده است. علامه حلی نیز طبقه‌بندی مخمس ارائه کرده است.<sup>(۲)</sup>

۱۷- با توجه به شرایط منطقی تقسیم بندی، قضیه حمله را می‌توان از حیث تقسیم‌بندی به دو قسم انحلال ناپذیر و انحلال پذیر تقسیم کرد.<sup>(۳)</sup> این طبقه‌بندی با آنچه

۱- این مساله یکی از مواردی است که به نظر می‌رسد در رساله تحلیل قضایا برای نخستین بار مطرح شده است. (تفصیل

سخن را مراجعه کنید به ص ۱۴۷ - ۱۵۹)

۲- گزارش تاریخی تقسیم‌بندی قضیه بر مبنای موضوع، بنظر می‌رسد در این رساله تازگی دارد.

۳- این تقسیم‌بندی نیز از مواردی است که طرح آن به نظر تازه می‌رسد.

در منطق جدید به صورت جملات اتمیک و مسور گفته می‌شود قابل تطبیق است.

۱۸- محمول از نظر منطق دانان احکام زیر را دارا است:

یک - محمول می‌تواند کلمه باشد.

دو- محمول باید مفهوم عام (کلی) باشد.

سه - محمول مفرد است یا قابل تاویل به مفرد

چهار - محمول نمی‌تواند مسور باشد (تحلیل قضایای منحرف)

پنج - محمول نسبت به موضوع یا ذاتی است یا عرضی

شش - محمول نمی‌تواند اخص از موضوع باشد.

هفت - محمول پس از موضوع ذکر می‌شود

هشت - محمول مفهومی است غیر از موضوع (تحلیل انواع تغایر)

۱۹- قضیه بر مبنای محمول نیز تقسیم می‌شود از جمله: تقسیم بر سلب و ایجاب (بنا به رای برخی)، تقسیم به معدوله و محصله، تقسیم به مواطاة و اشتقاقی، هلیة بسیطة و هلیة مرکبه، ثنائی و ثلاثی (بنا به رای برخی)

۲۰- عده‌ای قضایای ثلث (خارجیه، حقیقیة و ذهنیة) را بر مبنای محمول قضیه بیان کرده‌اند.

۲۱- در تحلیل نسبت خبری سه رویکرد مختلف می‌توان داشت: تحلیل زبانی، تحلیل مفهومی و تحلیل انتولوژیک

۲۲- در تحلیل زبانی نسبت خبری مباحث زیر قابل طرح است:

یک - موضع رابط (ادات ربط) در قضیه.

دو - از اقسام سه گانه لفظ مفرد، کدام قسم رابط است؟ آیا رابط ادات است؟

سه - ادات زمانی و غیر زمانی

۲۳- در بحث از چیستی مفهوم نسبت، سوءالهای زیر طرح می‌گردد:

یک - نسبت بین بین یا وقوع نسبت؟

دو - نسبت موضوعیت یا محمولیت؟

سه - آیا نسبت مقید به زمان است؟



۲۴- نظریه وجود رابطه (در مقابل وجود مستقل) در فلسفه اسلامی تحلیل انتولوژیک نسبت خبری است

۲۵- توجه به تفاوت قضیه انحلال‌پذیر و قضیه انحلال‌ناپذیر، دلیل و وجه تقسیم بندی قضایا به این دو قسم را نشان می‌دهد.<sup>(۱)</sup>

یک - در قضیه انحلال‌ناپذیر، موضوع ذکرى همان موضوع حقیقی است در حالی که در قضیه انحلال‌پذیر، موضوع ذکرى وصف عنوانی موضوع حقیقی است. دو - به همین دلیل قضیه انحلال‌پذیر به عقد‌الوضع و عقد‌الحمل (وصف عنوانی موضوع و وصف محمولی) قابل انحلال است.

سه - ساختار منطقی قضیه انحلال‌ناپذیر به این صورت است: «این امر، الف است» در حالی که قضیه انحلال‌پذیر ساختار زیر را دارا است: «امری که الف است، ب است»

چهار - بنابراین رابطه در قضیه انحلال‌ناپذیر به معنای «این عضو آن» یا «این متعلق به آن» است ولی در قضایای انحلال‌پذیر، مراد از نسبت اندارج است.

پنج - قضایای انحلال‌ناپذیر، قابل تسویر (سورپذیر) نیستند.<sup>(۲)</sup>  
شش - قضایای انحلال‌ناپذیر، فاقد نقش استنتاجی در منطق قیاس اقترانی حملی (ارسطویی) هستند.

هفت - در مورد قضایای انحلال‌ناپذیر، تضاد همان تناقض است. در حالی که در قضایای مسور، نفی یا از طریق تضاد است و یا از طریق تناقض.

هشت - در قضایای انحلال‌ناپذیر، حرف عدول در محمول به معنای حرف سلب نسبت است.

نه - قضایای انحلال‌ناپذیر قابل انعکاس نیستند.  
ده - قضایای انحلال‌ناپذیر بر مبنای منطق ارسطویی، فاقد اعتبار در علوم هستند.

۱ - طرح مساله ۲۵ نیز به نظر می‌رسد که تازگی داشته باشد.

۲ - بحث قضایای منحرف در شخصیه در این مقام طرح می‌گردد.

۲۶- قضیه طبیعی نیز از جهت انحلال ناپذیری و شرایط، احکام و خواص منطقی مانند قضیه شخصی است.

تفاوت عمده طبیعی با شخصی که موجب شده است قسم مستقلى در تقسیم‌بندی تلقی گردد، این است که در قضیه طبیعی محمول از نوع درجه دوم است.

۲۷- قضیه طبیعی تا قرن هفتم شناخته نشده است. فخر رازی تصریح دارد که انسان نوع است مهمله می‌باشد. کشف این قضیه توسط شارحان خونجی (مانند ارموی، ابهری و کاتبی) بوده است. این کشف می‌تواند از تحلیل بوعلی در الهیات شفا که به بحث از کلی طبیعی می‌پردازد،<sup>(۱)</sup> ملهم باشد. تاریخ پیدایش قضیه طبیعی، ظاهراً، تاکنون مورد گزارش و تحلیل قرار نگرفته است.

۲۸- برخی از منطق دانان قرن هفتم (کسانی چون خواجه طوسی، سعدالدین ابن کمونه و قطب الدین شیرازی) در ابن مساله نیز مانند بسیاری از مسائل دیگر با اصحاب خونجی مخالفت کرده‌اند.

۲۹- قضیه مهمله از جهت احکام منطقی در حکم جزئی است و اهمال چیزی نیست جز عدم ذکر سور در مقام لفظ و لذا قسم خاصی نامیدن آن شاید غرض صناعی مهمی نداشته باشد (بر خلاف طبیعی).

۳۰- از نظر منطق دانان، قضیه مهمله به دلیل تأویل پذیری آن در مقام صدق و کذب، در علوم اعتباری ندارد. زبان علم زبان دقی است و اهمال در آن جایز نیست.

۳۱- در قضیه مسور کلی (مانند هر انسانی کوشا است) مراد از هر انسانی چیست؟

۱- مراد از آن انسان کلی به قید کلیت (کلی عقلی) نیست.

۲- همچنین مراد از آن، همه انسانها من حیث المجموع نیست آن‌گونه که در «همه انسانها هفت میلیاردند»، ذکر می‌شود.

۳- بلکه مراد از آن، تک تک افرادی است که انسان هستند.

۳۲- «کل واحد واحد» که در قضیه مسور کلی موضوع حقیقی است، سه اعتبار دارد که عدم توجه به آنها، موجب خطا به ویژه مغالطه بین جهت سور و جهت حمل می‌گردد:

یک - کل واحد واحد معا (یا علی سبیل الجمع) که نباید آن را با کل من حیث المجموع اشتباه کرد.

دو - کل واحد واحد علی سبیل البدل (یعنی هر کدام که باشد)  
سه - کل واحد واحد به نحو مطلق یعنی نه علی سبیل الجمع و نه علی سبیل البدل. مراد از کلیت قضیه، اعتبار سوم است.<sup>(۱)</sup>

۳۳- از نظر منطق دانان ارسطویی، قضیه مسور جزئی، به لحاظ ساختار منطقی فرقی با مسور کلی ندارد جز از جهت عدم شمول حکم نسبت به همه افراد موضوع.<sup>(۲)</sup> و این یکی از مهمترین موارد اختلاف منطق جدید با منطق قدیم است. از نظر منطق جدید، قضیه جزئی، که وجودیه نامیده می‌شود، محتوای خبری بیشتری دارد و لذا رابطه تداخل عکس مستوی انتاج شکل سوم و چهارم (در ضروبی که مقدمه کلی، نتیجه جزئی می‌دهد)، و به طور کلی انتاج قضیه جزئی از مقدمه و یا مقدمات کلی، مغالطه است.

۳۴- تقسیم قضیه حملیه به خارجی و حقیقی و قضایای ثلث را می‌توان دو مساله مستقل از هم انگاشت که طرح آنها پیشرفت مهمی در تاریخ اندیشه منطق دو سرزمینهای اسلامی را نشان می‌دهد. یک تقسیم مثنی (حقیقی و خارجی) و تقسیم مثلث (حقیقی، خارجی و ذهنی)

۳۵- تقسیم قضیه به حقیقی و خارجی، ظاهراً، توسط فخر رازی در تحلیل قضایای مسور کلی مطرح شده<sup>(۳)</sup> و مورد قبول کسانی چون خونجی و شارحین وی (ارموی، کاتبی) و مخالفت خواجه طوسی و پیروان وی (مانند قطب الدین شیرازی) شده است.

۳۶- این تقسیم بندی ابتدا بر مبنای ظرف وجود موضوع (القضية الموجبة فی صدقها لابد من وجود الموضوع) مطرح شده است، آنگاه تفاوت حقیقی و خارجی بر مبنای ساختار معنایی قضیه مسور و نسبت بین عقدالوضع و عقدالحمل (تقارن صرف در

۱- قطب‌الدین رازی، شرح المطالع، (چاپ سنگی، قم، بی‌تا)، ص ۱۶۰

۲- خونجی در کشف الاسرار (مانند بوعلی) می‌گوید: «در موجب جزئی حکم می‌شود بر برخی از آنچه در قضیه موجب کلی بر آن حکم می‌شود.» (ص ۵۰)

۳- تقسیم خارجی و حقیقی از کلام شیخ ملهم است. الاشارات ص ۲۶ و الشفا، القیاس، ص ۲۰

خارجیه یا تقارن التزامی و تلازم در حقیقیه) توضیح داده شده است. بر مبنای اول قضیه، آن گونه که ابهری نشان داده است بر سه قسم است: حقیقی و خارجی و ذهنی، و بر مبنای دوم قضیه یا حقیقی است (به تعبیر علامه حلی طبعی) و یا خارجی است.

۳۷- قدما در تحلیل صدق قضیه حملیه، مناط صدق سه قسم قضیه حقیقی، خارجی و ذهنی را متمایز کرده‌اند.

۳۸- ملاصدرا برای تحلیل قضایائی که موضوع آنها امور معدوم هستند، قضیه حقیقی را بر دو قسم بتی و لابتی تقسیم می‌کند.

۳۹- تقسیم قضیه به معدوله و محصله (که نباید آن را با عدمیه و بسیطه اشتباه کرد) پیشینه ارسطویی دارد. تحلیلی قضیه معدوله به ویژه از جهت نشان دادن خلل منطق مفاهیم و توجه به منطق مصادیق، اهمیت خاصی دارد. به همین دلیل ارسطوئیان در باب مدلول اسم غیر محصل نزاع فراوانی دارند.

۴۰- ظاهر عبارت ارسطو در آغاز کتاب العبارة<sup>(۱)</sup> نشان می‌دهد که مدلول غیر محصل (مانند لائسان) هر امری است جز مصادیق اسم محصل. به همین دلیل شارحین متقدم بر همین رأی رفته‌اند. اما فارابی که توجه تام به نظام منطق ارسطویی دارد، برای حفظ منطق مفاهیم، تفسیری از مدلول اسم غیر محصل ارائه می‌دهد تا آن را به نحوی به اسم محصل برگرداند. از نظر فارابی، علی‌رغم ظاهر عبارت ارسطو در العبارة، با توجه به دیگر سخنان ارسطو در سایر مواضع، باید مدلول اسم غیر محصل را در عدم ملکه منحصر کرد.<sup>(۲)</sup>

۴۱- منطق دانان قرن هفتم که طرح مبحث نسب اربعه، توجه آنها به منطق مصادیق را نشان می‌دهد، درباره دیدگاه فارابی مناقشه‌های فراوانی کرده‌اند.

۴۲- بین معدوله و محصله سه نوع تمایز می‌توان طرح کرد: تمایز لفظی، تمایز معنایی و تمایز از جهت صدق.

۴۳- عده‌ای با صوری کردن مناسبت بین محصله و معدوله از جهت صدق به تأسیس قواعد استنتاج مبتنی بر عدول (مانند نقض الموضوع، نقض المحمول و نقض التام)

1. De Int. 16 b 12-16

دست یافته‌اند.

۴۴- خونجی در مناقشه‌ای که با این سینا در مداول اسم غیر محصل کرده است به نوع سومی از قضیه دست می‌یابد که توسط شارحین به نام سالبه المحمول نامیده می‌شود. قطب‌الدین رازی در فرق بین آن و محصله از طرفی و معدوله از طرف دیگر به تفصیل سخن گفته است. ساده‌انگاران طرح قضیه سالبه‌المحمول را غالباً از ابتکارات ملاصدرا انگاشته‌اند.

۴۵- قضیه‌ی حملی در دیدگاه ارسطو الگوی تحلیل قضیه‌ی شرطی است. نظریه‌ی قیاس شرطی که در منطق ارسطویی طرح آن ابتکار بوعلی است، بر مبنای قیاس حملی صورت بندی شده است.

۴۶- تحلیل قضیه‌ی شرطی منوط به طرح چند سؤال است:

یک - وجوه اشتراک قضیه‌ی حملی و شرطی چیست؟

دو - وجوه اختلاف این دو قضیه چیست؟

سه - آیا اتصال و انفصال یعنی دو قسم شرطی قابل تحویل به همدیگرند؟

چهار - ملاک تقسیم شرطی به لزومی و اتفاقی چیست؟ آیا این تقسیم‌بندی در مورد منفصله نیز قابل طرح است؟

پنج - آیا شرطی و حملی قابل تحویل به همدیگرند؟

شش - تحلیل سور در شرطی چیست؟

هفت - تحلیل صدق و کتاب در قضیه‌ی شرطی چیست؟